

میزگرد

اهمیت، ضرورت و چالشهای به کارگیری استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی

۱۴ سال پس از بازسازی کمیته استانداردهای بین المللی حسابداری (IASB) و ایجاد بنیاد استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی (IFRSF) و هیئت استانداردهای بین المللی حسابداری (IASB)، شواهد به دست آمده از حوزه های گزارشگری سراسر جهان نشان می دهد که چشم انداز استانداردهای جهانی حسابداری به واقعیت پیوسته است.

بررسی انجام شده از ۱۴۰ حوزه گزارشگری در سراسر جهان، نشان می دهد که ۱۱۶ حوزه (۸۳ درصد) به کارگیری استانداردها را برای شرکتهای سهامی عام و مؤسسه های مالی الزامی ساخته اند و بیشتر ۲۴ حوزه باقیمانده نیز به کارگیری آن را اجازه داده اند. تنها ده کشور هنوز به کارگیری آنها را برای شرکتهای داخلی الزامی نساخته اند.

تقریباً همه حوزه ها از استانداردهای جهانی پشتیبانی می کنند و همه آنها به طور علنی استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی (IFRS) را به عنوان استانداردهای جهانی می شناسند. حدود ۹۰ درصد از ۱۱۶ حوزه، به کارگیری استانداردها را برای شرکتهای غیربورسی نیز الزامی یا مجاز ساخته اند.

یکی از مسائل مهم، سازوکار تأیید یا به کارگیری استانداردهای جدید یا اصلاح شده (دربگیرنده تفسیرها) است. فرایند تأیید در ۱۳۰ حوزه ای که به کارگیری استانداردها را مجاز یا الزامی ساخته اند نشان می دهد که:

• در ۶۵ حوزه، فرایندی برای تأیید در نظر گرفته نشده است. این حوزه ها در زمان پذیرش اولیه استانداردهای بین المللی، استفاده از استانداردها یا اصلاحات منتشرشده بعدی را تأیید کرده اند؛

• در ۳۳ حوزه، فرایند تأیید شامل ترکیبی از مراجع حرفه ای و دولتی است (فرایند اتحادیه اروپا)؛

• در ۱۱ حوزه، فرایند تأیید تنها به وسیله مرجع حرفه ای انجام می شود؛

• در ۱۵ حوزه، فرایند تأیید تنها به وسیله دستگاه دولتی صورت می گیرد؛ و

• در ۶ حوزه، فرایند تأیید شامل مرجع حرفه ای و دستگاه دولتی است.

در ایران، طبق قانون، استانداردهای حسابداری تدوین شده به وسیله سازمان حسابرسی، که انطباق بسیاری با استانداردهای بین المللی دارند، به کار گرفته می شوند؛ اما گرایشی قوی برای به کارگیری استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی وجود دارد. بورس اوراق بهادار تهران در اواخر سال ۱۳۹۲ براساس مصوبه سازمان حسابرسی، به شرکتهای بورسی اجازه داد که برای تهیه صورتهای مالی تلفیقی از استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی استفاده کنند و سال ۱۳۹۵ را برای الزام ناشران بزرگ در نظر گرفت.

با این حال، فرایند انتقال به استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی در ایران با پرسشهای مهمی نیز روبه روست:

۱- نقاط ضعف و قوت رویکرد به کاررفته به وسیله سازمان بورس برای به کارگیری و استقرار استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی کدامست؟ چه رویکردی ممکن بود مناسبترین رویکرد برای شرایط ایران باشد؟

۲- آیا حسابداران، حسابرسان و مراجع حسابداری ایران توان و آمادگی کافی برای به کارگیری و انتقال به استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی دارند؟

۳- آیا منابع معتبر و رسمی لازم برای گزارشگری مالی بر مبنای استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی و حسابرسی صورتهای مالی بر مبنای این چارچوب گزارشگری، در ایران در دسترس است؟

۴- نامی از ایران در میان ۱۴۰ حوزه گزارشگری مورد بررسی در گزارش بنیاد استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی برده نشده است. توسعه روابط مراجع حرفه ای ایران با مراجع حرفه ای جهانی تا چه اندازه برای موفقیت در استقرار استانداردهای بین المللی مؤثر است؟

میزگرد این شماره مجله حسابرس با حضور صاحب نظران حرفه به بررسی «اهمیت، ضرورت و چالشهای به کارگیری استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی» اختصاص یافت.

✓ اسکندریاتی

ضمن خبر مقدم، از این که دعوت مجله حسابرس را برای حضور در میزگرد پذیرفته اید، تشکر می‌کنم. همه دوستانی که در خدمتشان هستیم جزو کسانی هستند که با موضوعهای حسابداری، متفکرانه برخورد می‌کنند. پس اگر اجازه دهید با این چارچوب شروع کنیم که اصلاً به کار گرفتن استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی چقدر برای ما مؤثر است؟ نقاط ضعف و قوت رویکرد به کار گرفته شده به وسیله سازمان بورس برای به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی چیست و آیا رویکرد مناسب تری در این زمینه وجود داشت و می‌توانست انتخاب شود؟

پیش از شروع بحث، به این نکته اشاره کنم که ما تقریباً قدم در مسیری گذاشته‌ایم که شاید راه غیرقابل برگشتی باشد. براساس مصوبه مجمع عمومی سازمان حسابرسی، سازمان بورس مجاز بوده که برای بخشی از شرکتها به کارگیری استانداردها را الزامی کند. مصوبه سازمان بورس مسیری را تعیین کرده و در نظر گرفته است. این پرسش مطرح است که رویکرد انتخاب شده چه نقاط قوت و وضعی دارد و این که آیا می‌توانیم از فرصت‌های بهبود استفاده کنیم و اگر نارسایی‌هایی در

میان است آنها را مرتفع کنیم؟

✓ علیمیرزایی

مایل هستم به عنوان کسی که سالها در کمیته تدوین استانداردهای حسابداری سازمان حسابرسی مشغول به خدمتگذاری بوده است به فرایند استانداردگذاری در کشور اشاره بکنم. در سالهای اول تشکیل کمیته تدوین استانداردها، تصمیم گرفته شده بود که استانداردها بر مبنای شرایط ایران تدوین شوند و از ابتدا چارچوب و مفاهیم نظری خاص کشور را داشته باشیم و استانداردها بر مبنای آنها تهیه شوند. چند سالی گذشت، مفاهیم نظری تهیه شد و به چاپ رسید.

جناب آقای فاطمی که مدیرعامل سازمان حسابرسی شدند، تصمیم دیگری گرفتند و بنده را هم مأمور کردند که یکی از اعضای کمیته باشم. اسم کمیته تدوین استانداردها را هم گذاشتند کمیته رهنمودها، که به طور موقت یک سری استاندارد تهیه کند. در جلسه‌های اولیه، بحث پیش آمد که باید شروع کنیم یک مجموعه استاندارد را انتخاب کنیم و آن مجموعه را، یا بین‌المللی یا انگلیسی و یا امریکایی، به عنوان استاندارد پذیرفته شده منتشر کنیم.

از همان ابتدا این ایراد مطرح شد که انتخاب استاندارد باید بر مبنای یک چارچوب نظری باشد وگرنه خود هیئت‌عامل سازمان حسابرسی هم می‌توانست این کار را بکند. خوشبختانه

شرکت‌کنندگان در این میزگرد به ترتیب حروف الفبا عبارت بودند از:

دکتر جواد بستانیان
حسابدار رسمی

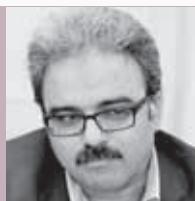


فرشاد اسکندریاتی
عضو هیئت‌عامل سازمان حسابرسی



احمد رضا فراست

مدیر مالی شرکتهای تابعه و مجامع گروه مپنا



مجتبی علیمیرزایی
حسابدار رسمی



دکتر مهدی مرادزاده فرد
دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج



تعدیل شد و از نمایندگان دیگر گروه‌های ذینفع نیز دعوت شد. ولی اوایل بیشتر حسابرس‌ها نقش اصلی را داشتند و به‌خاطر این‌که گرداننده خیلی از مسائل مالی در کشور تا سالهای دهه ۷۰ به‌طور عمده حسابرس‌ها بودند، سعی می‌کردند نظم و انضباطی به گزارشگری مالی بدهند.

از سال ۱۳۸۴ بحث همگرایی پیش آمد و یک سری تجدیدنظر انجام شد. در بحث استاندارد تسعیر ارز، سعی شد براساس استاندارد بین‌المللی کامل جلو برویم. این بحث را داشتیم که شرایط ایران با استاندارد بین‌المللی نمی‌خواند ولی با این حال گفتیم که همگرایی با استانداردهای بین‌المللی فقط در حرف نمی‌شود؛ سرانجام از یک جایی باید شروع کنیم.

این استاندارد را تصویب کردیم ولی مرکبش خشک نشده بود که مسائل ارزی و آثار بااهمیت آن پیش آمد و اصلاحیه استاندارد تسعیر ارز تصویب شد و تمام آن چیزهایی که رشته بودیم، پنبه شد. یعنی، این‌که فکر می‌کردیم باید به سمت استانداردهای بین‌المللی برویم، نشان داد که واقعیت‌های کشور را هنوز نمی‌توانیم نادیده بگیریم.

ممکن است در آینده هم همین موضوعها ما را تحت تأثیر قرار دهد. به‌رغم این‌که ما تحت تأثیر هیجانهای به‌طور مثال جهانی شدن استانداردها هستیم، ولی در عمل می‌بینیم که یک جاهایی موانعی برای ما ایجاد می‌کند. سیاستگذاری اولیه را خوشبختانه به‌گونه‌ای طرح کردیم که همین امروز اگر تصمیم بگیریم که به سمت پذیرش استانداردهای بین‌المللی برویم، حدود ۶۰ درصد راه را رفته‌ایم که اگر خلاف این می‌رفتیم حالا باید از صفر شروع می‌کردیم.

مقداری هم کُند شدن همگرایی ما با استانداردهای بین‌المللی، مربوط به مسئله نبود اطمینان از تعامل‌های بین‌المللی در این سالها بوده است. این باعث می‌شود که انگیزه‌های لازم را از دست بدهیم و یک مقداری دست نگه‌داریم، چون هیچ زمینه‌ای برای این کار نبود.

یکی از بحث‌هایی که همیشه با آن برخورد می‌کردیم، بحث ارزش منصفانه بود که خوب هنوز هم در پیش رو داریم که نمی‌دانیم با آن چه کار بکنیم. از بحث‌های دیگر موارد افشاست؛ مطالبی که باید افشا شود آن قدر زیاد است که می‌بینیم چقدر تهیه اطلاعات سخت است و چقدر مشکلات وجود دارد.

این مطالب شاید برای خوانندگان تکراری باشد؛ شاید بعضی‌ها

مفاهیم نظری بین‌المللی منتشر شده بود و تصمیم گرفته شد که از آن استفاده کنیم. عده‌ای معترض بودند به‌خاطر این‌که استانداردهای بین‌المللی را اصلاً به‌عنوان یک استاندارد خوب و جامع نمی‌شناختند؛ علتش هم این بود که می‌گفتند استانداردهای بین‌المللی به‌خاطر این‌که همه را راضی کند همه رویه‌ها را در خود گنجانده است، و البته تا حدودی هم درست می‌گفتند.

امروز که به گذشته فکر می‌کنم می‌بینم که تصمیم، تصمیم درستی بود. در سال ۱۳۷۰ با آن کم‌تجربگی ما، همین که ما مفاهیم نظری بین‌المللی را آوردیم و ۵ الی ۶ ماه روی آن کار کردیم و بعد هم شروع کردیم به تطبیق دادن استانداردهای بین‌المللی با مفاهیم نظری و اصلاح کردن، کار بزرگی بود؛ این شد در واقع شروع حرکت با استانداردهای بین‌المللی. گاهی اوقات هم با مسائلی مثل بحث **لا یفو (LIFO)** در ارزیابی موجودی‌ها برخورد می‌کردیم که آن را حذف کردیم. یک سال بعد از این‌که ما آن را حذف کردیم، استانداردهای بین‌المللی هم به این نتیجه رسیده بود و آن را در اصلاحات بعدی حذف کردند.

در واقع می‌شود گفت که ما چارچوب استانداردهای بین‌المللی را اتخاذ کردیم، با این ویژگی که هر جا لازم بود و شرایط کشور ایجاب می‌کرد، اصلاحات لازم را انجام می‌دادیم. تا به امروز، شما آثار این تصمیم‌ها را به‌طور کامل در استانداردهای حسابداری ایران مشاهده می‌کنید.

چون اصل کار سازمان حسابرسی، حسابرسی بود به‌طور طبیعی حسابرس‌ها در ترکیب کمیته اکثریت داشتند. البته بعدها

علیمیرزایی:

همکاری با مراجع بین‌المللی

زمینه‌های بسیار زیادی

دارد

از جنبه‌های مختلف می‌توانید

به آن نگاه کنید

از جهت آموزش و

از جهت تدوین و ترجمه استانداردها



یک طرف، همه چیز را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

✓ دکترستانیان

در مورد به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نکته‌ای را یادآوری می‌کنم. حسابداری زبان عملیات تجاری است و زبان را، یا هر چیز قراردادی شبیه زبان را، نمی‌شود گفت خوب است، بد است، زیباست، زشت است؛ واقعاً نمی‌شود راجع به آن، چنین قضاوتی کرد. خوب ما در محله خودمان، در روستای خودمان زندگی می‌کنیم، با گویش محلی همه کارمان می‌گذرد و حل‌وفصل می‌شود. بعد که می‌آییم به یک شهر بزرگتر، جایی که عمومی‌تر است، با افرادی با گویشی متفاوت سروکار پیدا می‌کنیم. آنجا ناگزیریم با گویش جدید آشنا شویم و با آن صحبت کنیم تا دیگران بفهمند که ما چه می‌گوییم و ما بفهمیم که آنها چه می‌گویند.

اگر از این زاویه نگاه کنیم، وقتی به موضوع استانداردهای حسابداری می‌رسیم، تکلیف آن تقریباً روشن است؛ به‌خاطر این که ما به‌طور مشخص رابطه گسترده‌ای با جهان داریم. (من اصلاً بحث سرمایه‌گذاری را نمی‌کنم، چون ممکن است این فرض را داشته باشم که سرمایه‌گذار خارجی به‌زودی به ایران نخواهد آمد) اما همین که ما کار تجاری انجام می‌دهیم، بالآخره محکوم به این هستیم که به زبان حسابداری صحبت کنیم و با آن زبان اطلاعات را ارائه کنیم که دیگران بفهمند یا لااقل به اندازه‌ای که اتکاپذیر باشد، درک کنند.

به‌علاوه، این که از چه زبانی استفاده کنیم بستگی به قدرت اقتصادی دارد. اگر ما قوی بودیم و در دنیای تجارت حاکم بودیم، خوب بقیه هم مجبور بودند که از زبان ما استفاده کنند. حالا که دیگران قوی هستند ما مجبوریم از آن زبان استفاده کنیم و به‌خصوص این که فاصله قدرت‌ها آنقدر زیاد شده که تقریباً همه تکلیفشان معلوم شده است. پس از این زاویه وقتی که نگاه می‌کنیم، استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی چون و چرا ندارد. این که ما می‌گوییم استانداردها را تعدیل می‌کنیم با شرایطی که متناسب وضع اقتصادی کشورمان باشد، همه معنایش این است که ما داریم مقاومت می‌کنیم؛ هیچ مفهوم دیگری ندارد. ما داریم مقاومت می‌کنیم که حرف‌های خودمان را به کرسی بنشانیم در حالی که توان آن را نداریم.

برای اولین بار مطالعه می‌کنند یا می‌شنوند. دستکم بدانند که ما سراغ این بحث‌ها خام نیامدیم؛ سال‌هاست که در پی استانداردهای بین‌المللی هستیم.

✓ اسکندریاتی

شما تاریخچه جامعی از کوشش‌هایی که برای تدوین استانداردها انجام شده بود را مطرح کردید؛ اشاره بسیار خوبی بود. فقط در این زمینه به این نکته هم اشاره بفرمایید که با تغییرهای گاه‌به‌گاه استانداردهای بین‌المللی چگونه برخورد کردیم. یعنی معیارهای استانداردهای بین‌المللی، برای مثال به‌کارگیری روش‌های ارزش منصفانه سرمایه‌گذاری‌ها، با این تغییرها در سالهای اخیر چگونه در تدوین استانداردها برخورد کردیم.

✓ علمیرزایی

بحث‌هایی که در مورد ارزش منصفانه مطرح بود آن جاهایی که امکان‌پذیر بود، مانند فعالیت‌های کشاورزی، قسمتهای ارزش منصفانه‌اش را به‌شکلی می‌نوشتیم که انعطاف داشته باشد و اجرا را مشروط به امکان‌پذیری می‌کردیم؛ در حالی که خودمان می‌دانستیم که برای دارایی‌های زیستی مولد، در واقع نمی‌شد ارزش منصفانه تعیین بکنند. می‌گفتیم به ارزش منصفانه، ولی اگر نشد همان قیمت تمام‌شده مبنای تعیین ارزش است.

در یک جایی مثل ابزار مالی، که مبنای اصلی استاندارد در مورد سرمایه‌گذاری‌ها بر ارزش منصفانه است، حقیقت این است که سعی کردیم همیشه آنها را به تعویق بیاوریم. نوسانهای چندین ساله بورس خوشبختانه نشان می‌دهد که با چه مشکلات جدی در تعیین ارزش قابل‌باز یافت یا ارزش منصفانه مواجه بودیم.

در جایی که بحث ارزش منصفانه مطرح بود همیشه احساس نگرانی می‌کردیم. یعنی همیشه این استنباط وجود داشت که اگر ما وارد این عرصه بشویم با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهیم شد. همیشه در ذهن ما می‌آمد که ارزیابی کارشناسان رسمی دادگستری در مورد یک دارایی معین تفاوت‌های اساسی دارد. در بحث ارزیابی دارایی‌های دولتی که قانون بود، اینقدر به مشکلات برخورد کردیم که از اسم ارزش منصفانه دیگر واقعاً هراس داشتیم؛ چون تمام صورت‌های مالی یک طرف و اتکاپذیری ارزش منصفانه

اگر استانداردها را تعدیل کنیم، یک خلاء درست می‌کنیم و دیگران همیشه با تردید به صورتهای مالی ما نگاه می‌کنند؛ شاید اگر ما هم به صورتهای مالی آنها نگاه کنیم، آنها را درست نفهمیم. الان استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی یک پروژه داوطلبانه نیست؛ بلکه مثل همان زبان انگلیسی است که همه از آن استفاده می‌کنیم. چون به شکل پروژه مطرح شده، آن را برای خودمان خیلی سخت کرده‌ایم. بحث‌های مختلف در مورد آموزش، در مورد الزامش، در مورد تبعاتش؛ و مانند آنها آنچنان بحث می‌شود که فرض بر این است که ما نمی‌خواهیم سراغ آن برویم و ما را به زور وارد آن می‌کنند.

این موضوع برای دیگر کشورها هم به همین ترتیب است. بنابراین همه دارند به این سمت می‌روند و می‌بینیم که امریکا هم خودش دارد اظهار تمایل می‌کند که به این سمت بیاید. حالا امریکا هم مثل ما تردیدهایی دارد، و شرایطی دارد که این دست و آن دست می‌کند. اما این مثل زبان است، وقتی ارتباطها خیلی زیاد شود، خودبه‌خود زبان‌ها همه یکی می‌شود. بنابراین وقتی که از این زاویه نگاه کنیم، این مسئله شکلش عوض می‌شود. در آن صورت ما هم می‌گوییم که برای راحتی خودمان می‌رویم به سمت آن زبانی که رایج است و بیشتر مردم از آن استفاده می‌کنند.

بنابراین یا باید دیگر با آنها حرف نزیم یا مجبور می‌شویم که زبان آنها را استفاده کنیم. می‌توانیم خیلی ساده یا به تدریج و با رفع مشکلات، استانداردهای بین‌المللی را به کار بگیریم. خلاصه اگر این طور نگاه کنیم، آمادگی زیادی هم داریم. نباید آن را غولی فرض کنیم که باید خیلی با آن سروکله بزنیم تا از آن رد شویم.

✓ دکتر مرادزاده فرد

در ارتباط با پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی که آیا باید آن را بپذیریم یا نه، پاسخ قطعاً بله است. این را باید فرض غالب تلقی کنیم؛ هیچ چاره‌ای جز طی این مسیر در پیش ما نیست. بنابراین اساس فرض بدیهی این است که باید این کار را انجام دهیم، حالا در انجام این امر براساس آنچه سازمان بورس اوراق بهادار مقرر کرده است، چند نکته وجود دارد که باید به آن توجه نمود.

سازمان بورس اوراق بهادار، شرکتهای بورسی را موظف

کرده است که از سال ۱۳۹۵ صورتهای مالی خودشان را مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تهیه کنند. تأکید سازمان بورس این است که این تصمیم شامل صورتهای مالی شرکتهای فرعی و وابسته شرکتهای بورسی هم می‌شود که می‌دانیم خیلی از آنها در بورس پذیرفته نشده‌اند.

دو نکته اینجا وجود دارد که تصور می‌کنم باید به آن توجه شود. اول اینکه، شرکتهای بورسی که شرکت مادر یا شرکت گروه هستند باید صورتهای مالی جداگانه خود را براساس استانداردهای ملی ایران تهیه کنند، اما صورتهای مالی تلفیقی خود را باید براساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تهیه نمایند. در اینجا برای این که شرکت اصلی بتواند شرکتهای فرعی و وابسته را تلفیق کند، باید آن شرکتهای رویه‌هایی را به کار گیرند که با گزارشگری تلفیقی شرکت اصلی منطبق باشد؛ در این صورت شرکتهای فرعی و وابسته نیز باید صورتهای مالی خودشان را مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تهیه کنند. همین جا یک مشکل پیش می‌آید. این عمل، خود یک تناقض داخلی ایجاد خواهد کرد. شرکت اصلی، برای گزارشگری جداگانه خود از استانداردها و رویه‌هایی استفاده می‌کند که در موارد زیادی با شرکتهای فرعی و وابسته خود به طور کلی تفاوت خواهد داشت. افزون بر این، فرض بر این است که این نحوه عمل از شرکتهای بورسی شروع می‌شود، اما می‌دانیم که در کوتاه مدت این امر به کل شرکتهای و به کل گزارشگری مالی در کشور تسری خواهد یافت.

در اینجا نکته دومی هم وجود دارد. شرکت اصلی قرار است که گزارشگری دوگانه انجام دهد؛ صورتهای مالی تلفیقی براساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و صورتهای مالی جداگانه براساس استانداردهای حسابداری کشور ایران خواهد بود. همه ما می‌دانیم که این یعنی هزینه بیشتر و ما داریم این هزینه گزارشگری مالی بیشتر را به دوش شرکتهای می‌گذاریم. تصور من این است با آن فرضی که در ابتدا گذاشتیم، یعنی ناچاریم استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را بپذیریم، پس باید گفت که ناچاریم این هزینه را هم تقبل کنیم. اما چه کنیم که در این میانه یک بازی دو سر برنده داشته باشیم و با تحمیل این هزینه‌ها به شرکتهای جریان این امر یکطرفه نباشد. می‌شود این گونه پیشنهاد داد که برای شرکتهای بورسی و غیربورسی

دکتر مرادزاده فرد:

در ارتباط با پذیرش

استانداردهای بین‌المللی

گزارشگری مالی

که آیا باید آن را

پذیریم یا نه

پاسخ

قطعاً بله است



با دیگر رشته‌ها به نسبت پیشرفت خوبی داشته، ولیکن به دلیل بهره‌مند نبودن حوزه حسابداری از سیستم‌های جامع همانند برنامه‌ریزی منابع بنگاه (ERP) در خصوص فناوری اطلاعات در قالب یک سیستم یکپارچه و هوشمند، این حوزه فاقد زیرساخت‌های مناسب فناوری و تکنولوژیکی کارا بوده و این امر بر مشکلات اجرای گزارشگری مالی بین‌المللی از جمله اجرای استاندارد ارزش منصفانه می‌افزاید. هنوز در زمینه گزارشگری مالی، زیرساخت‌های لازم را نداریم و از فناوری بهره‌برداری کافی نمی‌کنیم. بحث ارزش منصفانه نیز یک چالش جدی است. ساختار ثروت یا اقتصاد کشور هم تأثیر اساسی بر چارچوب گزارشگری مالی دارد؛ و این که بخش عمده اقتصاد کشور ما دولتی یا وابسته به دولت است. از طرف دیگر، نیاز کشور به سرمایه‌گذاری‌های خارجی، که البته زمان اجرای آن محل اختلاف نظر است، اجتناب‌ناپذیر است و باید به موضوع به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به صورت جدی بپردازیم و انگیزه‌هایی ایجاد شود که شرکت‌ها داوطلبانه به این سمت تشویق شوند.

سازمان حسابرسی که نقش مهمی در توسعه و تدوین استانداردهای حسابداری کشور داشته، مناسب است تمام استانداردهای بین‌المللی را به زبان فارسی یکجا تهیه و ارائه کند ولو این که شرکت‌ها توان به‌کارگیری آن را به طور کامل نداشته باشند؛ دستکم از این باب که ما استانداردها را به طور کامل نداریم، آسوده باشیم.

اختیار بگذاریم و برای این اختیار امتیاز قائل شویم. شرکتی که هزینه‌های اضافی گزارشگری مالی به او تحمیل می‌شود، از آن طرف پاداشی بابت پذیرش این زحمات و هزینه‌ها دریافت کند. برای مثال تخفیف‌های مالیاتی می‌تواند از جمله این مشوق‌ها باشد. من تصور می‌کنم که می‌شد این کار را به شکل داوطلبانه آغاز کرد و با در نظر گرفتن مشوق‌هایی، به راحتی آن را ترویج نمود.

✓ اسکندریاتی

شما اشاره فرمودید به تعمیم مصوبه بورس به بقیه واحدهای تجاری خارج از بورس. مجموعه واحدهای تجاری که در تیررس این مجموعه هستند، واحدهای تجاری پذیرفته‌شده در بورس هستند. بقیه واحدهای تجاری که این صفت را ندارند از حوزه شمول این مقررات می‌توانند مستثنی باشند.

تجربه جهانی نشان داده که ابتدا به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی در بخش درخور توجهی از واحدهای تجاری الزامی شده و تعداد محدودی خارج از محدوده الزام قرار داشته‌اند. در کشور ما براساس رویکرد انتخاب‌شده، در وهله اول شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس و شرکت‌های وابسته و فرعی‌شان ملزم به به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی شده‌اند. به نظر شما برای بقیه واحدهای تجاری چه رویکردی مناسب است؟

دکتر مرادزاده فرد

همان‌طور که فرمودید الان شرکت‌های خارج از بورس مشمول نیستند، اما اول این که شرکت‌های فرعی و وابسته شرکت‌های بورسی که خودشان در بورس پذیرفته نیستند هم درگیر ماجرای اخیر خواهند شد و دوم اینکه اعتقاد من این است که در میان مدت، شرکت‌های غیربورسی هم حتی اگر اجباری وجود نداشته باشد، وارد این فرایند خواهند شد. گزارشگری داوطلبانه به وسیله بسیاری از شرکت‌ها صورت خواهد پذیرفت. می‌دانیم رویه‌هایی که سازمان بورس برای شرکت‌های بورسی ابلاغ می‌کند برای شرکت‌های کوچکتر و غیربورسی نیز الگو است. تصور من این است که در این ارتباط نیز گزارشگری داوطلبانه رایج شود.

✓ فراست

با این که حرفه و تخصص حسابداری و حسابرسی در مقایسه

بحث بعد، به کارگیری تدریجی استانداردهای بین‌المللی است. یعنی، با توجه به بضاعتی که در محیط تجاری موجود است، باید انگیزه‌ها و مشوقه‌هایی برای شرکت‌ها در نظر بگیرند تا این کار مهم به تدریج انجام شود.

✓ اسکندریاتی

با توجه به نکته‌ای که دکتر بستانیان اشاره کردند، در ذهنم ابهامی شکل گرفت. نکته‌ای که جنابعالی اشاره می‌فرمایید بحث تعامل ما است با جهان. می‌گوییم که ما شرکت‌هایی داریم که علاقه‌مند هستند در بازارهای فرامرزی فعال باشند و این، یک نوع گزارشگری مالی را می‌طلبد. اما اگر سرمایه‌گذاران خارجی وارد کشور ما شوند، نیاز به یک نوع اطلاعات دیگری دارند و ما به‌عنوان فراهم‌کننده این اطلاعات باید نقش داشته باشیم. در این زمینه این تعامل چگونه است؟ به‌عنوان مثال، آمریکا به‌عنوان یک فرمانده بزرگ در دنیا هنوز به استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نیویسته و او هم سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در سرتاسر جهان دارد. خوب اگر آن‌الگو را بخواهیم بگیریم، الگوی به‌کارگیری این استانداردها در کشور ما چگونه خواهد بود؟

✓ دکتر بستانیان

این رویکرد اینطور در ذهن من مطلوب است که استانداردهای حسابداری ما کم‌کم به سمت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌رفت و ما در نهایت با دو مجموعه استاندارد روبه‌رو نمی‌شدیم. چون الان مشکل داریم، من آن مطلب را مطرح کردم. این‌که اصلاً دو مجموعه استاندارد داشته باشیم، ایراد دارد. ما نمی‌توانیم شرکت‌ها را مجبور کنیم که از دو مجموعه استاندارد استفاده کنند.

به‌نظر من اگر بخواهیم نوک تیز مشکل را پیدا کنیم، همین است که بگوییم از سال فلان؛ و یادمان باشد سالی را که گفته‌اند شرکت‌ها ملزم به استفاده از استانداردهای بین‌المللی هستند، سال جاری سال آغازین آن به‌عنوان اقلام مقایسه‌ای است. اگر براساس استانداردهای بین‌المللی بخواهیم گزارشهای مالی را تهیه کنیم، این ایراد را دارد که تمام آن ابزار و وسایلی را که لازم داریم، هنوز در اختیار نداریم.

ما باید مسائل و مشکلاتمان را به‌درستی حل کنیم و برویم به

سمت استانداردهای بین‌المللی؛ یعنی همان کاری که الان در حسابداری انجام می‌دهیم. مدام استاندارد جدید می‌آید، ترجمه و الزامی می‌شود. در حسابداری هم همینطوری است. استانداردهای جدید همه متناسب با وضع فعلی است و استثناها خیلی کم است و آن استثناها را هم همه‌جا می‌شود توضیح داد، حتی برای ذینفعان بیرون از کشور. اما اگر دو مجموعه استاندارد داشته باشیم حتماً برای ما طاقت‌فرسا است؛ یعنی همان استانداردهای حسابداری منسجم فعلی را هم از دست خواهیم داد.

✓ علیمیرزایی

ببینید اساساً پدیده‌ها زمانی به اصطلاح موضوعیت پیدا می‌کنند که شرایط جدیدی اتفاق بیافتد. ما اگر کشوری باشیم که نخواهیم با کسی تعامل داشته باشیم، در اصل استاندارد بین‌المللی و یادگیری زبان آنها به درد ما نمی‌خورد.

سازمان بورس به این دلیل این رویکرد را انتخاب کرده که پدیده جدیدی برایش اتفاق افتاده است. سازمان بورس می‌خواهد با دنیا تعامل داشته باشد. بقیه سازمان‌ها هنوز چنین ادعایی نکرده‌اند و چنین نیازی ندارند. سازمان بورس می‌خواهد سهام شرکت‌ها را در بورس‌های خارجی به ثبت برساند، یا به‌نوعی با ارائه صورتهای مالی بر مبنای استانداردهای بین‌المللی، هزینه‌های تأمین مالی را کم کند یا این‌که بتواند در فدراسیون بورس‌های جهان حضور داشته باشد. تمام اینها الزام است. حالا اگر سازمان بورس بتواند یکی چند سازمان دیگر را هم با خود هماهنگ کند، این الزام قوی‌تر می‌شود.

سازمان بورس به‌درستی کار را از شرکت‌های بورسی آغاز کرد و دامنه را بیش از حد گسترده نکرد. در این کار هم خیلی با جدیت پیش رفت. سه سال پیش بود، در جلسه‌های کمیته فنی سازمان حسابداری، ما معضله‌ها و مشکل‌ها را به آنها گفتیم ولی خیلی مصرانه رفتند و مجوز گرفتند که کار را انجام دهند. حقیقت این‌که آن زمان به این شکل موافق نبودیم. چون، چیزی که نشدنی است با دستور هم انجام نمی‌شود.

سال ۱۳۹۲ سازمان بورس مصوبه‌ای داد که همه قسمت‌های آن اشکال دارد، و اصلاً قابل اجرا نبود؛ اصلاً کدام استاندارد بین‌المللی، منبعش کجاست، با چه شرایطی؟ در ضمن مگر هر کسی می‌تواند بگوید «طبق استاندارد بین‌المللی»؛ بالآخره دستکم باید مجوز گرفته باشد، ترجمه بشود، ترجمه تخصصی

دکتر بستانیان :

ما باید مسائل و مشکلاتمان را

به درستی حل کنیم و

برویم به سمت

استانداردهای بین‌المللی

یعنی همان کاری که

الان در حسابرسی

انجام می‌دهیم



یکی از مسائل بسیار مهم دیگری که باید به آن توجه می‌کردند به‌کارگیری استانداردها برای اولین بار است که آن خود در اصل داستان جداگانه‌ای دارد. خوب، سرانجام اینها مشکلهایی بود که سازمان بورس شاید به‌خاطر عجله‌ای که داشت به اینها توجه نکرد؛ حکم را دادند و خوب آن حکم به‌طور کامل اجرا نخواهد شد؛ دستکم در سال ۱۳۹۵ اجرا نخواهد شد. به‌نظر من این پروژه بزرگی است که همه ابعاد آن باید هم‌زمان دیده شود. من این اقدام سازمان بورس را، به‌عنوان شروع جسورانه و اینکه به هر حال باید از یک جا شروع می‌کردیم، حتماً تأیید می‌کنم ولی باید به نکته‌های منفی و نکته‌هایی که دیده نشده است، به‌طور قطع توجه شود.

الان در کمیته راهبری تازه تأسیس شده، کمیته‌های تخصصی پیش‌بینی شده است؛ و برای ارزش منصفانه، و برای آموزش، کارگروه تعریف شده، و امیدوارم که با انجام این کارها و با رفع مشکلهایی که اشاره کردم بتوانیم خیلی سریعتر از آنچه که فکر می‌کردیم به نتیجه لازم برسیم. با همکاری سازمان حسابرسی انشاءالله این کار انجام خواهد شد.

✓ اسکندریاتی

با توجه به نقطه‌نظر همه دوستان، طبیعی است که بار سنگین اجرای این مجموعه روی دوش حسابدارها و حسابرس‌های کشور است. نکته‌ای که مطرح می‌شود این است که آیا آمادگی و توان کافی در جامعه حسابداری و حسابرسی کشور وجود دارد که بشود این بار سنگین و

بشود. بعد هم قرار شد برای ۳ سال اول به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی اختیاری باشد. اجبار که می‌کنیم کسی انجام نمی‌دهد، تا برسد به اختیاری. بعد فشار درست آمد روی این مقطع که سال ۱۳۹۵ این کار را انجام دهیم.

بینید، من به سازمان بورس نمره خوب می‌دهم. برای این‌که فعالانه در خیلی از زمینه‌ها دارد کار می‌کند و خودش را جلو می‌اندازد. الان کمیته راهبری تشکیل داده برای این‌که بتواند این کار را مدیریت کند و به سرانجام برساند. واقعاً جای تشکر دارد، جای تقدیر دارد؛ به‌عنوان سازمانی که جسارت را دارد که وارد این کار شود. حتی تا اینجا دارند پیش می‌روند که قوانین مربوط به این کار را تا آن جایی که می‌شود اصلاح کنند؛ حتی اگر قانون مالیات باشد، حتی این‌که کدام شرکت‌ها باید مشمول استانداردهای بین‌المللی باشند.

خوب اینها دارند همه بار این زحمت را به‌دوش می‌کشند. به سازمان حسابرسی پیشنهاد همکاری دادند و ادعا دارند که از نظر منابع مالی، از نظر نیروی انسانی، از نظر ترجمه، هر کاری را که لازم باشد انجام می‌دهند تا این پروژه به پیش برود. پس اینها نقاط مثبت است و ما هم به‌عنوان کسانی که الان می‌بینیم استانداردهای بین‌المللی قدم‌به‌قدم جلو رفته، دلمان می‌خواهد که حالا یک پرشی هم داشته باشیم و این استانداردها به‌طور کامل استقرار پیدا کند.

ولی خوب، نباید این موضوع را هم فراموش کرد که چیزهای زیادی را به‌خاطر کم‌تجربگی ندیدند که منجر به صدور آن اطلاعیه شد. قبل از صدور اطلاعیه، بررسی نکردند که موارد افتراق استانداردهای ایران با بین‌المللی چیست، چرا ما تا به حال آنها را اجرا نکرده‌ایم، قابلیت اجرای ارزش منصفانه را اصلاً در نظر نگرفتند، و این‌که آیا منابع کافی و نیروی انسانی کافی برای این کار وجود دارد. منابع ترجمه‌شده هنوز در اختیار کسی نبود؛ باید به آن توجه می‌کردند و این‌که به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی نیاز به آموزش دارد.

خوشبختانه الان به این فکر افتاده‌اند و در کمیته راهبری دارند این کار را می‌کنند که در واقع این فرایند را قانونی کنند که کدام شرکت‌ها با چه شرایطی مشمول شوند و با مسائل مالیاتی‌شان چگونه برخورد شود. به‌علاوه، نظرخواهی از اعضای جامعه را در نظر گرفته‌اند.

این تعهدهای بزرگ را پیاده‌سازی و اجرا کرد و در نهایت آن را به سرانجام رساند؟ این بحث مهمی است که توان حسابداری و حسابرسی حرفه‌ای کشور در چه سطحی است و آیا پاسخ می‌دهد؟

✓ دکتر بستانیان

آنچه که تجربه من می‌گوید، با پوزش از همه گروههایی که به‌عنوان عضوی از مجموعه حسابداران و حساب‌رسان محسوب می‌شوند، فکر می‌کنم که ما هنوز برای به‌کارگیری استانداردهای ملی که سالهاست لازم‌الاجرا بوده، خیلی مشکل داریم. یعنی درست است که سطح تحصیلات در کشور خیلی بالا رفته، ولی ممکن است که منحنی سواد درست عکس این حرکت کرده باشد. این را به این لحاظ می‌گویم که کمتر شرکتی را می‌بینیم که در آن کسی بتواند صورت‌های مالی مطابق با الزام‌های استانداردهای حسابداری تهیه کند. یعنی برای مثال، از ۳۰ شرکت اگر یکی بتواند این کار را کامل انجام دهد، واقعاً حیرت می‌کنیم و تحت تأثیر قرار می‌گیریم.

به‌طور معمول در شرکت‌هایی که به‌نسبت بزرگ هستند، یک نفر داریم که بلد است صورت‌های مالی را تهیه کند و این فقط در شرکت‌های بزرگ است. استانداردهای ملی پایه‌هایش سال‌هاست که بنا شده، تدویم داشته، درس داده شده، مسئله حل شده و همه این کارها را کرده‌اند، حالا ما یک دفعه ببینیم بگوییم که اینها همه عوض شد.

الان در کشور ما رسم شده، همه کارها را گذاشته‌اند به عهده کسانی که دارند کار می‌کنند، یعنی فعالان اقتصادی. این شرایط باعث می‌شود که آدم‌هایی که مسئولیت اداری شرکت‌ها را دارند، همه حواسشان به مقررات و ضوابط اداری معطوف شود؛ تا ضرب‌الاجل‌های سریع و خواسته‌های زیاد را برآورده کند.

برای مثال، تمام معامله‌های شرکت، یک‌به‌یک، باید برای سازمان امور مالیاتی ارسال شود. بنابراین کسانی که به‌عنوان مدیر مالی یا به‌عنوان معاون مالی و اداری در شرکت‌ها وظایفی را انجام می‌دهند، الان تمام حواسشان به اجرای ضوابط و مقرراتی است که انجام ندادن آنها جرائم شدید و گرفتاری زیاد دارد. مدیر مالی دیگر فرصت ندارد که خودش را به‌روز کند. بنابراین من به‌شدت از این جهت ناامیدم.

در نتیجه معلوم است که این کار سنگ خیلی بزرگی است که اضافه می‌شود به آنها سنگ‌هایی که پیش از این اشاره کردم.

✓ دکتر مرادزاده فرد

در ماه مه سال ۲۰۱۵ میلادی هیئت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، چارچوب مفهومی گزارشگری مالی جدید خود را ارائه کرده است. چیزی که به‌عنوان چراغ راهنما در تمام متن این چارچوب جدید به چشم می‌آید این است که رویکرد استانداردگذار بین‌المللی در تدوین استانداردها هرچه بیشتر به سوی رویکرد مبتنی بر اصول حرکت کرده است. استاندارد مبتنی بر اصول به این مفهوم است که استفاده‌کننده کسی است که آگاهی به‌نسبت بالایی، اگر نگوئیم کامل، به مفاهیم حسابداری دارد و باید توانایی حرفه‌ای به‌کارگیری استانداردها را داشته باشد. اجازه بدهید تأکید کنم، این توانایی، حرفه‌ای است نه دانشگاهی. نباید توقع داشته باشیم کسی که از دانشگاه بیرون می‌آید بلافاصله بتواند صورت‌های مالی تهیه کند، او راه بسیار درازی را باید برود تا به چنین توانایی حرفه‌ای برسد.

چراغ دوم را آقای دکتر بستانیان به آن اشاره کردند. من اجازه می‌گیرم مثال واضحی بزنم. استانداردهای حسابداری ایران از سال ۱۳۸۰ لازم‌الاجرا شده است. من به دو استاندارد قدیمی و عمومی، و نه جدید و تخصصی، اشاره می‌کنم. در چند شرکت صورت جریان وجوه نقد به‌درستی تهیه می‌شود؟ به تجربه، چیزی که تهیه می‌شود به‌طور عمومی الگویی از صورت تغییرات در وضعیت مالی دارد و حاصل تفاوت اقلام ترازنامه است. یا واقعاً چند نفر از حسابداران حرفه‌ای ما مفهوم سود جامع را درست می‌دانند و اگر بخواهند صورت سودوزیان جامع را تهیه کنند، توانایی آن را دارند.

ما در سرفصلهای دانشگاهی این مباحث را نداریم. اگر بخواهیم آموزش دهیم باید از دانشگاه شروع کنیم. کسانی که یک پیش‌آگاهی‌هایی را کسب کرده باشند، بعد که وارد حرفه می‌شوند آمادگی دارند این چیزها را خوب یاد بگیرند.

اما اشکال کار اینجاست که حسابداران حرفه‌ای هم آموزش لازم را ندیده‌اند. آموزش همکاران حرفه‌ای ضرورت خیلی مهمی دارد. باید روی این مسئله بسیار کار شود. افزون بر این،

فراست:

بحث آموزش

به‌واقع جدی است

اما از آن مهم‌تر

نتایج به‌کارگیری

استانداردهای بین‌المللی

است



بخواهند با شرکت‌ها می‌کنند. این رفتار یک‌طرفه است و به‌طور مسلم منصفانه نیست.

✓ فراست

بحث آموزش به‌واقع جدی است، اما از آن مهم‌تر نتایج به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی است. به‌نظر من به‌طور عمومی به‌کارگیری این استانداردها از جنبه مالیات و تسعیر ارز، به استثنای ارزش منصفانه، کاهنده سود می‌باشد. ضروری است که در خصوص به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی یک مطالعه آسیب‌شناسی صورت پذیرد و همه مخاطره‌های آن روشن شود و برای آنها راه‌حل‌های مناسب پیش‌بینی شود، در غیر این صورت اجرای این مهم مقاومت جدی حسابداران و مدیران را در پی خواهد داشت.

در بحث آموزش، غیر از هزینه‌ای که به شرکت تحمیل می‌شود، زمینه‌سازی برای به‌کارگیری استانداردها نیز انرژی زیادی از شرکت می‌گیرد. یعنی همان‌طور که اشاره شد، مدیران مالی علاوه بر تهیه و هدایت استراتژیهای مالی، افزون بر دغدغه مسائل اداری مشتمل به رعایت مقررات پیچیده و پرتکلیف مالیات، بیمه، و بانکی، حالا یک انرژی هم باید برای استقرار استانداردهای گزارشگری بین‌المللی صرف نمایند.

برای مثال، هماهنگی در اجرا در مورد شرکت‌های بزرگ بورسی که می‌خواهند صورتهای مالی تلفیقی تهیه کنند، واقعاً از همکاران حسابدار تلاش زیادی طلب می‌کند. با این حال، مطمئن هستم بعد از آموزش و فراهم کردن دیگر زمینه‌ها از

ما به کتاب احتیاج داریم، به مقاله احتیاج داریم، به تحقیق در این رابطه احتیاج داریم. ما نیازمند این هستیم که بدانیم دیگران چه مسیری را رفته‌اند.

الان که شما می‌فرمایید ۱۴۰ کشور از جمله افغانستان، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را پذیرفته‌اند، پرسشی که برای من پیش می‌آید این است که این کشور چگونه زیرساخت‌های این امر را فراهم کرده که ما نمی‌توانیم؟ مثلاً چگونه مشکل نحوه تعیین ارزش منصفانه در آنجا حل شده که ما نمی‌توانیم آن را حل کنیم؟

تصور می‌کنم برای این که کار آموزش انجام شود، سازمان حسابرسی به‌عنوان یک متولی خوب و به‌عنوان یک بزرگتر، خودش بهترین تسریع‌کننده می‌تواند باشد. ولی اعتقاد من این است که سازمان حسابرسی نباید تنها متولی این کار باشد، کما این که نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که دانشگاه‌ها فقط این کار را انجام دهند.

پیشنهادم این است که حتماً از مدرسان خارجی دعوت کنیم بیایند و به ما آموزش بدهند؛ و از سوی دیگر، حسابداران جوان و مستعد را بفرستیم که بروند در خارج از کشور آموزش ببینند. خط و قلم بسیار زیبایی مرحوم دکتر فضل‌الله اکبری را می‌خواهم به یادتان بیاورم، خط و قلم توانای دکتر رضا شباهنگ را می‌خواهم به یادتان بیاورم و موارد متعدد دیگری مانند این عزیزان؛ اینها کسانی هستند که رفتند، آموختند، و آمدند و با زبان پارسی و بومی‌شده، با ما تعامل کردند. باید از دو طرف نیرو آماده کنیم و به این بیاندیشیم که جامعه حرفه‌ای ما خیلی بزرگ است و آموزش دادن به آنها کار یک ماه و دو ماه نمی‌تواند باشد.

در رابطه با آموزش ما نیاز بسیار زیادی داریم و متأسفانه در دستورعمل سال ۱۳۹۵ به این پیش‌نیاز هیچ دقتی نشده است. در انتهای صحبت‌م می‌خواهم بر هزینه انجام این کار تأکید کنم. انجام این کار، به‌ویژه در ابتدای پذیرش، برای شرکت‌ها هزینه‌های بسیاری دارد. باید به یک شکلی برای شرکت‌ها تشویق‌هایی در نظر گرفته شود، که هزینه تقبل‌شده قابل تحمل‌تر شود و گرنه، گذاشتن هزینه روی دوش سازمانها و شرکتها خیلی هم منصفانه نیست؛ چون آنها دستشان زیر تیغ سازمان بورس، وزارت دارایی و دولت است که منبع قدرت هستند و هر کاری



اسکندریاتی :

برای درک بهتر

استانداردها

چگونگی به کارگیری و

معضلهایی که در

هر کدام

از استانداردهاست

رهنمودهایی لازم است

دارد. وضعیت ما نسبت به مجموعه منابع و مطالب لازم برای به کارگیری استانداردهای بین المللی چگونه است و اگر در آینده بسیار نزدیک بخواهیم استانداردهای بین المللی را به کار گیریم به چه مجموعه های آموزشی نیاز داریم و چگونه می توانیم آنها را فراهم کنیم؟

✓ دکتربستانیان

اگر قرار باشد که استانداردهای بین المللی به طور مستقل، یا به موازات استانداردهای فعلی - که البته ما با آن موافق نیستیم - به کار برده شود، یا این که به جای استانداردهای فعلی مورد استفاده قرار گیرد، چون برداشت افراد از مفاهیمی که در آن استانداردها هست ممکن است متفاوت باشد، حتماً باید یک متن فارسی ترجمه شده رسمی موجود باشد. یعنی مرجع تدوین استانداردها، باید استانداردهای بین المللی را ترجمه کند، یا برایش ترجمه کند و او تأیید کند و مطمئن شود که درست است، و به عنوان یک مبنای رسمی که جانشین کتاب استانداردهای حسابداری فعلی می شود یا در کنار آن وجود دارد، باید منتشر شود. بحث بعدی هم این است که بنیاد استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی باید این متن را تأیید و تصویب کند و بگوید که قبول است و هیچ مغایرتی با متن اصلی ندارد.

این جزو الزامهاست که انشاءالله کسانی که دارند کار را پیش می برند در انجام این کار مراقبت کنند. فکر می کنم خود همین کار یک پروژه است که ممکن است به زمان زیادی نیاز داشته باشد

جمله استقرار سیستم های جامع فناوری اطلاعات در قالب یک سیستم یکپارچه و هوشمند، توان کافی در حوزه حسابداری برای به کارگیری استانداردهای بین المللی به طور تدریجی فراهم خواهد شد.

✓ علیمیرزایی

خوب قطعاً برای استقرار استانداردهای بین المللی اگر شرایط الان را در نظر بگیریم، خیلی ساده، پاسخ این است که امکاناتش را نداریم؛ دلایل آن زیاد است: نیروهای کافی، شرایط اقتصادی، فناوری اطلاعات، و جاذبه های لازم برای ورود نیروهای جوان و مستعد به حرفه. بنابراین اگر قرار باشد که تغییرهایی انجام شود و تغییرها زیاد باشد، به طور طبیعی نیاز به زمان بیشتر دارد.

با توجه به این که در اساس وظیفه تدوین استانداردهای حسابداری به عهده سازمان حسابرسی بوده، جامعه حسابداران رسمی ایران به طور عملی در این کار هیچ تجربه خاصی ندارد. شاید اگر بعداً بخشی از کار به آنها محول شود بتوانند کمکی بکنند. به طور قطع سازمان حسابرسی به عنوان مرجع تصویب کننده، تنها کسی است که ممکن است آمادگی را داشته باشد و بتواند نقش مؤثری ایفا کند. شاید آماده ترین مرجع برای این کار سازمان حسابرسی باشد و مراجع دانشگاهی هم باید خودشان را در این رابطه تجهیز کنند.

طبیعی است که الان خیلی فاصله داریم، ولی به معنی این نیست که نتوانیم ظرف دو یا سه سال یاد بگیریم و آموزش ببینیم و مسلط شویم. البته سرعت کار بستگی به نیروهای به اصطلاح دولتی و تصمیم گیرندگان دارد، یعنی آنهایی که منابع در دستشان است. من و شما هیچ تصمیمی در این رابطه نمی توانیم بگیریم. امیدواریم که سازمان حسابرسی به این موضوع توجه ویژه ای داشته باشد.

✓ اسکندریاتی

تا این جا قسمت در خور توجهی از موضوعهای بحث برانگیز، در ارتباط با به کارگیری استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی، مورد بحث قرار گرفت. ولی موضوعهای خاصی نیز مطرح است. به طور قطع یکی از پیش فرضهای به کارگیری هر پدیده جدیدی، به کتابهای آموزشی، مجله ها و راهنماهای مکتوب برای آموزش نیاز

راهنما برای کاربری آنها امری نیست که الزام باشد فقط به وسیله سازمان حسابرسی انجام شود.

✓ فراست

پروژه به کارگیری استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی، هزینه در خور توجهی دارد. پیشنهاد من این است که حتی از پیشکسوتان حرفه و استادان دانشگاه برای نهایی کردن پیش نویس ها نظر خواهی شود و تأمین بودجه این امر هم نباید تنها بر عهده سازمان حسابرسی باشد که خودش به طور طبیعی با مشکلات بودجه دولتی دست و پنجه نرم می کند.

همه از جمله سازمان بورس باید همکاری کنند تا نهادهای تشکیل شود که با راهبری سازمان حسابرسی و مشارکت مراجع حسابداری، ناشران بزرگ بورسی و فرابورسی، مؤسسه های حسابرسی، دانشگاهیان و حسابداران، پیشبرد این کار مهم صورت گرفته و انجام شود.

✓ علیمیرزایی

خوب آنچه که مسلم است هنوز منابع رسمی وجود ندارد. سازمان حسابرسی دارد این کار را می کند. بهتر است سازمان حسابرسی در این زمینه اطلاع رسانی گسترده تری بکند. این پروژه خیلی حساس است و برای هر کلمه ای که بخواهید استفاده کنید، کلی باید بحث شود که آیا این کلمه در اینجا مناسب است و بعد همین کلمه را در جاهایی که مشابه است استفاده کنید، نمی شود ترجمه را به دست هر کسی داد. البته سازمان می تواند و بهتر است از منابع بورس و دیگران استفاده کند. به نظر می رسد هماهنگی و ارتباط سازمان حسابرسی و سازمان بورس، چون زیر نظر یک وزارتخانه هستند، می تواند خیلی مؤثرتر و سریعتر از این باشد. باید امیدوار باشیم که این مشکلها با توجه به نکته هایی که در این جا مطرح شد، حل شود و کار سرعت بیشتری بگیرد.

✓ اسکندریاتی

به این نکته بپردازیم که در بین ۱۴۰ کشوری که به نوعی با هیئت تدوین استانداردهای بین المللی تعاملهایی دارند، نام کشور ما نیست. این نبود به دلایل گوناگونی می تواند باشد. صرف نظر از اینکه علت آن چیست، بحث این است که آیا ارتقای ارتباط مراجع حرفه ای ما با مراجع حرفه ای خارج از کشور می تواند باعث تسریع در این کار شود که ما هم به آن مجموعه بپیوندیم.

و قبل از انتشار متن رسمی استانداردهای بین المللی به طور قطع نمی توانیم انتظار به کارگیری چیزی را که وجود ندارد، داشته باشیم.

✓ اسکندریاتی

در مورد متن خود استاندارد طبیعی است که مسیری که اشاره کردید باید طی شود. اما برای درک بهتر استانداردها، چگونگی به کارگیری، و معضله هایی که در هر کدام از استانداردها است، رهنمودهایی لازم است که جزو لازم و ملزوم آن استانداردها است. در دنیا این کار انجام شده و در کنار استانداردها مجموعه کتاب های آموزشی منتشر شده، و مؤسسه های حسابرسی معتبر تفسیری از استانداردها منتشر کرده اند که اینها همه تکمیل کننده یک مجموعه هستند، و طبیعی است که به روزآوری استانداردها نیز اهمیت بسیار زیادی خواهد داشت.

✓ دکتر مرادزاده فرد

در مورد منابع و مأخذ، همه ما می دانیم که هنوز هیچ چیز آماده شده کاملی نداریم، به غیر از چند مورد محدودی که به زحمت سازمان حسابرسی و چند مرجع دیگر تهیه شده است. می دانیم براساس پروژه های که سازمان حسابرسی تعریف کرده برای ترجمه استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی، کارهای خیلی زیادی انجام شده است اما نشر آن تاکنون انجام نشده است. بخش هایی از کار در حال نهایی شدن و انتشار است ولی به طور مسلم این کوشش ها کفایت تمامی نیازها را نمی کند. در کنار استانداردها، راهنمای به کارگیری آنها هم ضرورت دارد. کتاب های آموزشی با مقاصد دانشگاهی هم نیاز است. باید انجمن های حرفه ای و علمی مملکت و همچنین مؤسسه های حسابرسی بزرگ، مشارکت کنند که این کار سریعتر انجام شود؛ چون سرعت در انجام این کار یکی از ضرورتهاست. متن هایی که آماده می کنیم و می خواهیم ارائه کنیم، باید به تأیید بنیاد استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی برسد و آنها برای این کار مهلت می گذارند. اگر بنا باشد که منابع انسانی ما محدود باشد، ما هیچوقت نخواهیم توانست کارهایمان را طی مهلت های مقرر به انجام برسانیم و همیشه از این بابت عقب خواهیم بود. چقدر خوب است که تقسیم وظایف کنیم. خیلی ها اعتقاد دارند که سازمان حسابرسی را مسئول همه کارها بدانند. من اعتقاد دارم ترجمه متون مربوط به استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی و یا نگارش کتاب و

✓ دکترستانیان

فکر می‌کنم اگر قرار باشد که ما از استانداردهای بین‌المللی استفاده کنیم، این یعنی باید عضوی از جامعه جهانی حسابداری باشیم. تا آنجایی که من اطلاع دارم عضویت‌های ما ناقص است. جامعه حسابداران رسمی ایران و انجمن حسابداران خبره ایران اعضای ایفک هستند، ولی همیشه ارتباط درستی برقرار نبوده و آنها خیلی وقتها رابطه جدی یک عضو واقعی را با ما ندارند. طبیعی است که اگر قرار باشد از استانداردهای بین‌المللی استفاده شود و ما به‌عنوان عضوی از مجموعه کشورها و حوزه‌های پیرو استانداردهای بین‌المللی فعالیت کنیم، باید ارتباطها و عضویت‌هایمان کامل شود و طبیعی است انتظارات، پرسشها و طرح‌هایی که دارند، باید هم پاسخ داده و هم اجرا شود، هم باید به آنها گزارش شود که چه طرح‌هایی برای راه‌اندازی و به‌کارگیری استانداردها در دست است. در این صورت است که می‌شود اسم ایران هم در آن مجموعه قرار گیرد.

✓ دکتر مرادزاده فرد

در رابطه با تعامل اجازه دهید من یک تجربه از انجمن حسابداران خبره ایران را مطرح کنم. در انجمن به‌عنوان عضو **فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC)** حتی در پرداخت حق عضویت سالانه مشکل داریم که الان این مشکل را حتماً جامعه حسابداران رسمی ایران هم دارد؛ برای پرداخت حق عضویت سالانه ما اگر بخواهیم از کانالهای رسمی و قانونی اقدام کنیم تمام آنها به‌واسطه تحریم‌ها بسته است، و اگر بخواهیم از کانالهای غیررسمی اقدام کنیم به معنی کار غیرقانونی است که برای یک انجمن حرفه‌ای که در جهت منافع همگانی فعالیت دارد، توجیه ندارد.

با فدراسیون بین‌المللی حسابداران مکاتبه شده و توضیح داده شده است که به‌دلیل تحریم‌ها کانال رسمی برای پرداخت پول به شما را نداریم مگر این‌که از طریق غیرقانونی عمل کنیم.

جوابی که دادند این بود که برای انجمن حسابداران خبره ایران کارها و پروژه‌هایی را تعریف می‌کنند که انجمن به جای حق عضویت آنها را انجام دهد. یکی از کارهایی که به انجمن واگذار شد و در شرف تکمیل است، تهیه گزارش جامع تفاوت‌های بین استانداردهای حسابداری ایران و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بود. این را به‌عنوان نمونه اشاره کردم که

تعامل با مراجع بین‌المللی کاری انجام‌شدنی است. ما می‌توانیم به‌دنبال راهکارهای دیگری هم بگردیم؛ از آنها برای آموزش، استاد بخواهیم یا برای آنها دانشجوی بفرستیم، از آنها دعوت کنیم که برای ما درباره تجربه‌های استقرار استانداردهای بین‌المللی راهکار ارائه کنند و تجربه‌هایشان را انتقال دهند.

این نوع همکاری‌ها هم در بخش آموزش برای ما ارزش‌آفرین است و هم به توسعه ارتباط‌ها کمک می‌کند. در مرکز آموزش حسابداران خبره، تا پیش از تحریم‌ها، هر سال چندین استاد را برای تدریس دروس **سیما (CIMA)** و دیگر موارد از کشورهای مختلف دعوت می‌کردیم، می‌آمدند و به زبان انگلیسی مطالب خود را ارائه می‌کردند. اگر از آنها استاد دعوت کنیم واقعاً خیلی‌هایشان راغب هستند که بیایند به‌عنوان آدم حرفه‌ای کمک بکنند، یا اگر دانشجوی بفرستیم حتماً مؤسسه‌های حسابرسی ما حاضر می‌شوند که کسانی را بورسیه کنند، انجمن‌ها حاضر می‌شوند که یک عده‌ای را معرفی کنند و شاید بخشی از هزینه‌هایش را تقبل کنند. باید از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها کسانی بتوانند به‌عنوان فرصت مطالعاتی از دانشگاه‌های خودشان امتیاز بگیرند و برای این کار بروند. اینها همه راهکارهایی است که بتواند تعامل را با خارج از کشور بیشتر کند. ما می‌خواهیم با آنها حرف بزنیم، پس باید ابزار حرف زدن را پیدا کنیم. کشور ما در منطقه از اعتبار و نفوذ بالایی برخوردار است و من تصور می‌کنم به‌خوبی از ما استقبال خواهد شد.

✓ فراست

توسعه ارتباط مراجع حرفه‌ای ایران، با مراجع خارجی، به‌وسیله انجمن‌های حرفه‌ای، سازمان حسابرسی و مؤسسه‌های حسابرسی و دیگر مراجع، در پروژه به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دارای تأثیر مثبت می‌باشد.

✓ علیمیرزایی

برای اصل ماجرا باید به سازمان حسابرسی برگردیم. سازمان حسابرسی بالاخره تجربه تدوین و به‌کارگیری استانداردها را دارد. فعلاً هم از نظر قانونی مسئول انجام این کار است. ارتباط را سازمان حسابرسی باید برقرار کند و حالا که قرار است سازمان بورس هم وارد این ماجرا شود، می‌تواند توسعه روابط با مراجع خارجی را با همکاری سازمان بورس انجام دهد.

نیست. آنها بعضی تعدیلهای را جاری تلقی می‌کنند و ما با شرایطی که پیش‌بینی کرده بودیم، فکر می‌کردیم که سنواتی باشد مناسبتر است. در بحث تسعیر ارز هنوز اختلاف سنگینی داریم و معلوم نیست با توجه به استاندارد به‌کارگیری برای اولین بار، چه برخوردی باید بکنیم. یا برای مثال در تجدید ارزیابی‌های انجام‌شده در مورد دارایی‌های ثابت، تعدیلاتی که به سرمایه‌های شرکتها و بانکها منظور شده باید برگشت شود یا نه. باید نقاط حساس را پیدا کنیم و تفاوتها را بررسی کنیم. این نکته مهمی است که هنوز به آن نپرداخته‌ایم.

در نهایت یک سری پیشنهاد هم مطرح است. به‌عنوان نمونه، یکی از مشکل‌هایی که همیشه داریم این است که از نیروهای استفاده می‌کنیم که هر کدام ۶۰ کار و مسئولیت دیگر دارند و در کنارش می‌گوییم بیایید بنشینید و هفته‌ای یک روز هم این کار را انجام دهید. ما باید نیروهای تمام‌وقت برای این کار بگذاریم. چنین نیرویی باید بداند که برای این کار و مختص این کار است و به‌صورت موقت نمی‌آید که کار تمام شود و برود. مشارکت سازمان بورس و سازمان حسابرسی خیلی در این زمینه مثبت خواهد بود، اگر انشاءالله با هم توافقی در این زمینه بکنند.

پیشنهاد می‌کنم صورتهای مالی نمونه‌ای مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی حتماً تهیه و از همین حالا ترویج شود. مؤسسه‌های بزرگ بین‌المللی مثل کی‌پی‌ام‌جی (KPMG) مجموعه‌های کاملی تهیه و تنظیم کرده‌اند. اگر اینها به فارسی تهیه شود همه می‌توانند صورتهای مالی و یادداشت‌ها را ببینند، و ممکن است برایشان خیلی جالب و آموزنده باشد.

توصیه‌ای اکید دارم که مسئله‌های بحث‌انگیز، مثل ارزش منصفانه و بازتابش بر اقتصاد و مالیات و تعیین و تکلیف قانونی برای این موارد، حتماً انجام شود، قبل از این که «دستور» دهیم که شرکتها ملزمند استانداردهای بین‌المللی را به‌کار گیرند. به‌خصوص در بحث ارزش منصفانه، مطالعه‌های خیلی گسترده‌ای لازم است. باید از قبل کارهایمان را انجام دهیم و بعد بگوییم که حالا اجرا بشود. به این سادگی که دستوری بگوییم که این کار را بکنید، به‌طور مسلم هیچ‌وقت به جایی نمی‌رسد و اگر هم کسی فردا این کار را بکند با هزار مشکل مواجه می‌شود.

همکاری با مراجع بین‌المللی زمینه‌های بسیار زیادی دارد. از جنبه‌های مختلف می‌توانید به آن نگاه کنید؛ از جهت آموزش، و از جهت تدوین و ترجمه استانداردها. حالا که زمینه تعامل ایران با دیگر کشورها دارد برقرار می‌شود، سازمان حسابرسی هم باید حرکتش را در این زمینه بیشتر کند. شاید مراجع دیگر برحسب نیاز و ضرورت‌های خودشان علاقه‌مند به توسعه روابط باشند و در این زمینه به‌صورت داوطلبانه کوشش‌هایی بکنند، ولی برای سازمان حسابرسی تقریباً می‌شود گفت که یک تکلیف است.

از فرصت استفاده و یادآوری کنم که در مورد افتراق استانداردهای ایران و بین‌المللی خیلی صحبت نکردیم. فهرست‌وار و به‌طور خلاصه به چند مورد مهم اشاره می‌کنم. در بحث ابزار مالی تقریباً اشاره شد که در کل طبقه‌بندی سرمایه‌گذاری‌ها از نظر روش ارزیابی در استانداردهای بین‌المللی به‌طور کلی با استانداردهای ما تفاوت دارد. به‌خصوص در یک شرکت سرمایه‌گذاری اگر استانداردهای بین‌المللی را به‌کار بگیریم، نمی‌دانیم که چه اتفاقی خواهد افتاد و چه تغییرهای اساسی پدید خواهد آمد.

فعالیت‌های ساختمانی یکی دیگر از آن معضل‌های عجیب و غریب است. طبق استاندارد ۱۸ درآمد در زمان تکمیل پروژه شناسایی می‌شود. ما هم سال‌ها همین روش را دنبال می‌کردیم. بعداً اعتراض شد از طرف شرکتهای ساختمانی، بعضی‌هایشان هم بررسی بودند. بررسی کردیم و مشخص شد مالزی استاندارد در این زمینه دارد و براساس آن عمل می‌کند. نمی‌دانم که استانداردهای بین‌المللی چرا این روش را پیشنهاد می‌کند؛ شاید به‌خاطر این است که ممکن است پروژه‌هایشان کوتاه‌مدت باشد، مثلاً یکی دو سال.

نکته جالب این است که اگر حالا از استانداردهای بین‌المللی استفاده کنیم، هرچه سود تا به حال تقسیم شده باید برگشت شود، و قیمت سهام شرکتهای پیمانکاری معلوم نیست با چه اتفاقی روبه‌رو شود. اینها باید از سوی اشخاصی که صلاحیت دارند، بررسی کارشناسی شود تا معلوم شود چه برخوردی باید صورت گیرد و آیا لازم است یک قانون خاص به تصویب برسد.

یا مثلاً استاندارد شماره ۶ منطبق با استاندارد بین‌المللی

✓ دکتر مرادزاده فرد

یکی از کتاب‌هایی که سازمان حسابرسی به تازگی منتشر کرده است، نحوه ارائه صورتهای مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی است؛ همان صورتهای مالی نمونه به همراه یادداشت‌ها. اتفاقاً کاری هم کرده است این است که در یادداشت‌ها عدد و رقم گذاشته شده است. در صورتهای مالی نمونه خودمان، ما عدد نداریم. مطلبی که ترجمه شده، متن استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱ (IAS 1) است.

✓ اسکندریاتی

تفاوت‌های نظام اقتصادی و روشهای مبادله‌های تجاری ما با بقیه دنیا زیاد و انکارنشده‌ای است؛ برای مثال املاک یکی از موضوعهای بارزی است که در این زمینه وجود دارد. در این نوع مسائل چه پیشنهادی به نظر شما می‌رسد که ضمن به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی، بتوانیم به مبادله‌ها یا چارچوبهای تجاری خاص کشور، پاسخ دهیم.

✓ علیمیرزایی

شاید لازم باشد در مورد املاک با بنیاد استانداردهای بین‌المللی مکاتبه شود و معضله‌ها را برای آنها شرح بدهیم، ضمن این که برای مثال در مورد مالزی در ظاهر شرایط خاص آنها پذیرفته شده است.

✓ دکتر بستانیان

گفتگوی ما نشان می‌دهد که اول باید مطالعه کنیم، بررسی کنیم، مذاکره کنیم، و خلاصه تمام این کارها را انجام دهیم و بعد وقتی که به نتیجه رسیدیم، زمان اجرا تعیین کنیم. زمان اجرا در شرایط کنونی با این همه معضله‌هایی که وجود دارد، هیچ معنایی نمی‌دهد. حاصل بحث این جلسه باید به گوش مراجع ذیربط و سازمان بورس برسد و امیدوار باشیم پذیرفته شود. به نظر من مطالب مطرح‌شده در این جلسه، کمک می‌کند که نتیجه‌های مثبتی به دست آید و گرنه به‌طور حتم یک سردرگمی رخ می‌دهد و در نهایت حتماً به تمدید می‌کشد و ممکن است تجربه مالیات سرمایه‌گذاری‌ها تکرار شود. الان که حداقل یک سال و نیم مانده است، باید بتوانند راجع به مسائلی که مطرح شد، شروع کنند به فکر کردن و پیشنهاد من این است تا قبل از روشن شدن همه جوانب امر، زمان اجرا برای به‌کارگیری الزامی استانداردهای بین‌المللی مشخص نکنند.

✓ اسکندریاتی

امیدوارم دیدگاههای شما مورد توجه خوانندگان مجله قرار گرفته و با استقبال آنها روبه‌رو شود. بار دیگر از حضورتان در این میزگرد سپاسگزاری می‌کنم. ✓

